

# بسودا انقلاب و زحمتکشان، برنامه مشخص ارائه دهید

## ارائه دهید

به مناسبت هجدهمین سالگرد قیام تاریخی  
۱۵ خرداد - قسمت اول  
قیام خلق  
به رهبری امام خمینی  
چگونه آغاز شد؟

صفحه ۲

شود و از این طریق به اطلاع مردم رسانده شود و خواه مستقیماً مردم را گذار کرده، تنها در صورتی میتواند بخیر و صلاح انقلاب و کشور تمام شود، که مردم به اهیت این اختلافات پی ببرند و راه‌حلهایی را که هر یک از دو طرف اختلاف ارائه میدهند، یا میزان تطابق آنها با منافع خلق و انقلاب و مین بسنجند، یک طرف را محق و دیگری را محکوم بدانند. با کمال تأسف ما می‌بینیم که آنان که بیشتر از همه برای رجوع به مردم سنگ بسینه می‌زنند، کمتر از همه برنامه‌ها و راه‌حلهای مشخص درباره مسائل موداخلاف بقیه در صفحه ۲

اختلاف در بین مسئولان طراز اول جمهوری هست. اینرا همه میدانیم. هیئت حل اختلاف فین فرمان امام خمینی تشکیل شده است، تا باموارد اختلاف رسیدگی کند و خطای را بر مردم و در صورت لزوم به مراجع قضائی معرفی کند. برخی عقیده دارند، که بجای هیئت حل اختلاف باید مستقیماً به مردم رجوع کرد. نظرات دیگری نیز از جانب افراد و گروههای دیگر برای حل اختلاف پیشنهاد شده است. اما بنظر ما آنچه بیشتر از شیوه‌های حل اختلاف اهمیت دارد، تعیین موارد اختلاف، قضاوت درباره اختلافات، خواه به هیئت حل اختلاف رجوع



شماره ۵۲۶ - سه شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۰ - دوره هفتم، سال سوم  
۲۸ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب  
ضدامپریالیستی و مردمی ایران:

## صنایع و معادن

در داخل کشور آغاز می‌شود. اهمیت این برداشت را نقش بی‌اندازه مثبت یگانه واحدهای مهم صنعتی که در این عرصه بوجود آمده‌اند، یعنی مجتمع ذوب آهن اصفهان، کارخانه‌های ماشین‌سازی ارک و تبریز و کارخانه تراکتور سازی که همه در چارچوب همکاری فنی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی ساخته شده و برخی در اثر سیاست نواستعماری مثله گردیده‌اند، نشان می‌دهد.

بر این اساس، حزب توده ایران بر آن است که روند صنعتی کردن کشور باید با قائل شدن اولویت برای صنایع سنگین که همگی در بخش دولتی متمرکز باشند، طبق برنامه ریزی علمی دقیق پایه‌ریزی شود. هرگونه انحراف از این یگانه سمت‌گیری برای پیشرفت اقتصادی کشور، تأمین استقلال اقتصادی را به خطر خواهد انداخت و راه را برای بازگشت وابستگی به دنیای امپریالیستی باز خواهد کرد. کشور ما این امکان بزرگ را بقیه در صفحه ۲

بوده و زبان‌های دردناک آن را امروز که کشور ما می‌خواهد در راه گسستن زنجیرهای وابستگی اقتصادی گام بردارد، با گوشت و پوست خود احساس می‌کنیم. یگانه راه تأمین استقلال اقتصادی مین (که پایه تأمین استقلال در زمینه‌های دیگر نیز هست) از گسترش همه‌جانبه صنایع سنگین و بهره‌گیری حداکثر از منابع و ثروت‌های طبیعی

روند صنعتی کردن کشور، در دوران تسلط رژیم وابسته سلطنتی، تنها با سمت‌گیری در جهت تأمین سود حداکثر برای انحصارهای سرمایه‌داری کشورهای امپریالیستی و طبقه غارتگر سرمایه‌دار وابسته ایران انجام گرفت و سر تا پا پیماز است. گسترش بی‌بندوباز صنایع مونتاز که بخشی عمده‌ای از صنایع کشور را تشکیل می‌دهند در همین سمت

توسط هیئت ۳ نفره حل اختلاف:  
روزنامه‌های «میزان» و «انقلاب اسلامی»  
رسماً متخلف اعلام شدند  
پرونده جمهوری نیز متخلف از فرمان امام خمینی و  
قانون اساسی اعلام شد.  
صفحه ۲

ایندیرا گاندی:

## مردم هند برای دوستی و همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی ارزش والایی قائل هستند

ایندیرا گاندی، نخست‌وزیر هند، گفته است که مردم کشور او «برای دوستی و همکاری همه‌جانبه با اتحاد شوروی ارزش والایی قائل هستند. این دوستی و همکاری از بوته آزمایش زمان گذشته است.»  
ایندیرا گاندی این سخنان را در مجلسی به افتخار برخی از

گسترش پایگاههای نظامی و حضور نظامی آمریکا در این کشورها، تقویت بنیه تسلیحاتی و نظامی و دادن اعتبارات جدید تسلیحاتی به آنان از مقدمات تشکیل یک چنین اتحاد شوم و خطرناکی است که امپریالیسم آمریکا قصد دارد علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری، بوجود آورد.  
بدین ترتیب، تشکیل «شورای همکاری خلیج» که تلاش شده است ظاهری صلح‌جویانه و بدور از هدفهای سیاسی و نظامی به آن داده شود، بدون تردید از حلقه‌های واسطه برای تحقق طرحهای نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آن در منطقه است.

## «شورای همکاری خلیج» پایش در آمد اتحاد نظامی جدید در منطقه خلیج فارس

منطقه، بیش از هر چیز به مسائل نظامی و تسلیحاتی توجه دارد، یعنی همان مسائلی که بتواند مواضع این رژیمها را برای دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا و حفظ خود و ستیزه‌جویی با کشورهای مستقل ملی و جنبشهای رهایی‌بخش خلقهای این منطقه تقویت کند.

«شورای همکاری خلیج» که هفته گذشته با ابتکار و سازماندهی فعال عربستان سعودی تشکیل یافته، بر زمینه فعالیتها گسترده‌ای بوجود آمده، که طی چند ماه گذشته عربستان سعودی برای تشکیل یک پیمان نظامی با اشکال و ترکیبهای گوناگون انجام داده است. زمامداران عربستان سعودی طی مدت باسرازان رژیمهای ضد خلقی و سرسپرده‌ای از قبیل ضیاع‌الحق، سلطان قابوس، سادات و نمایندگان رژیم خائن صدام در عراق تماسها و مذاکراتی داشته، که در تمامی آنها مسائل تسلیحاتی و نظامی و بطور مشخص مسئله تشکیل یک پیمان نظامی مطرح بوده است.

علاوه بر اینها، وزارت دفاع و سپاه آمریکا، طی متجاوز از دوسالی که از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در مین مامیگذرد، همواره در کار فراهم کردن زمینه مساعد برای تشکیل یک اتحاد بزرگ سیاسی - نظامی از مجموعه رژیمهای ضد خلقی و سرسپرده خود در این منطقه بوده‌اند، که علاوه بر کشورهای عربی خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، پاکستان، شمالی، تونس و سودان را نیز شامل شود.

گسترش پایگاههای نظامی و حضور نظامی آمریکا در این کشورها، تقویت بنیه تسلیحاتی و نظامی و دادن اعتبارات جدید تسلیحاتی به آنان از مقدمات تشکیل یک چنین اتحاد شوم و خطرناکی است که امپریالیسم آمریکا قصد دارد علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری، بوجود آورد.  
بدین ترتیب، تشکیل «شورای همکاری خلیج» که تلاش شده است ظاهری صلح‌جویانه و بدور از هدفهای سیاسی و نظامی به آن داده شود، بدون تردید از حلقه‌های واسطه برای تحقق طرحهای نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آن در منطقه است.

همچنانکه بارها گفته‌ایم، در برابر جبهه متحد امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب، بسرگردگی آمریکا، در منطقه، می‌باید جبهه متحد نیروهای انقلابی ضد امپریالیست را از کشورهای مستقل ملی و جنبشهای آزادیبخش ملی در منطقه بوجود آورد. ایران انقلابی، که بیش از همه هدف توطئه براندازی جبهه امپریالیستی و ضد انقلابی است، بیش از همه نفع دارد که جبهه متحد ضد امپریالیستی را بوجود آورد و تحکیم بخشد. لذا دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باید در این زمینه فعالیت و ابتکار بیشتری از خود نشان دهد.

طبق گزارش خبرگزاریها، در هفته گذشته عربستان سعودی و حکام پنج امیرتشین منطقه خلیج فارس، در یک گردهم‌آیی در ابوظبی تحت عنوان «شورای همکاری خلیج» اتحادی تشکیل دادند.

در منشوری که در این گردهم‌آیی از جانب عربستان سعودی و امیرتشینهای خلیج فارس در ابوظبی به امضاء رسید، اعضای این «شورا» در زمینه‌های امور مالی، تجاری، ارتباطات، آموزش و پرورش، بهداشت، امور اجتماعی، اطلاعاتی، جهانگردی و حتی اجرائی و قانونگذاری، سیستم‌های واحد و یکپارچه‌ای را تشکیل خواهند داد. اعضای این «شورا» در زمینه‌های علمی و تکنولوژی، استخراج معادن و کشاورزی همکاریهای خود را توسعه خواهند داد. در این منشور از مسائل نظامی و دفاعی و همکاریهای اعضا این «شورا» در این زمینه‌ها سخنی ذکر نشده است. اما با توجه به مواضع سیاسی و موقعیت استراتژی-جغرافیایی اعضای این «شورا» نیز با توجه به نقش برتر و سازماندهی عربستان سعودی در این «شورا» اهداف نظامی آنها نمیتوان از نظر دور داشت.

همکاری عربستان سعودی و پنج امیرتشین خلیج فارس در تمام زمینه‌های مربوط به امور اقتصادی و اداری و سیاسی خود در یک سیستم واحد، در واقع این «شورا» را بصورت فدراسیونی از عربستان سعودی و امارات خلیج فارس درمی‌آورد. با توجه به امکانات مالی و نقش عربستان سعودی در میان کشورهای عربی این منطقه و ماهیت رژیم حاکم و مواضع سیاسی آن، میتوان چنین نتیجه گرفت که تشکیل «شورای همکاری خلیج» مقدمه‌ایست برای تحقق طرح تشکیل پیمان نظامی جدید از کشورهای امیرتشینان خلیج فارس، که مدتهاست از جانب وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، به اشکال مختلف عنوان شده است.

رژیم عربستان سعودی خود نیز دیرزمانیست که این طرح را با نامهای گوناگون از قبیل، «پیمان دفاعی»، «پیمان امنیت مشترک» و غیره پیشنهاد کرده است. همین سه ماه پیش ولیعهد عربستان سعودی در دیدار خود از امارات متحده عربی و دیگر شیخ‌نشینان خلیج فارس این پیشنهاد را مطرح کرد.

عربستان سعودی اکنون بزرگترین خریدار جنگ‌افزار از آمریکا و دیگر دول امپریالیستی، در منطقه است و خود نیز بخش شایان توجهی از هزینه‌ها و کمکهای نظامی و تسلیحاتی آمریکا به رژیمهای دست‌نشانده در منطقه را بعهده گرفته است. رژیم عربستان سعودی بخشی از اعتبارات برای تقویت نیروی نظامی سادات در مصر، سلطان قابوس در عمان، ضیاع‌الحق در پاکستان را از درآمدهای نفتی خود تأمین میکند و این خود مرید این واقعیت است که رژیم عربستان سعودی در روابط خود با رژیمهای طرفدار آمریکا در این

## تجاوزگران صدامی از مواضع نزدیک دهلران عقب‌نشینی کردند

تیربار، یک خودرو حامل مهمات و دو خودرو دیگر، یک انبار مهمات و یک پمپ‌دورز دشمن توسط رزمندگان انقلاب منهدم شد و به دو دستگاه تانک دشمن نیز خساراتی وارد آمد.  
بر اساس این گزارش، شهر آبسردان همچنان زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت که خسارات و ضایعاتی را نیز به همراه داشت. نیروهای متجاوز صدام در منطقه دهلران قصد پیشروی بسوی موانع ما را داشتند که رزمندگان انقلاب

جبهه‌های غرب و جنوب کشور همچنان شاهد دلوریهای رزمندگان جمهوری اسلامی ایران است. در دو روز گذشته رزمندگان انقلاب موفق شدند، بخشی دیگری از مواضع دشمن تجاوزگر را در این جبهه‌ها منهدم کنند.  
به موجب اطلاعیه ۵۱۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در دو روز گذشته تبادل آتش در جبهه‌های آبسردان - دارخوین و خرین شهر ادامه داشت که در جریان آن ۴ تانک، حدود ۲۰ سنگر انفرادی و گروهی و

این پیشروی را سد کردند و با اجرای آتش سنگین توپخانه آنها را با باقی‌گذاشتن تلفات و ضایعات فراوان مجبور به عقب‌نشینی کردند.  
این گزارش می‌افزاید که تعدادی از هواپیماهای دشمن، که قصد تجاوز به چند شهر مرزی را داشتند، بر اثر آتش پدافند هوایی رزمندگان انقلاب مجبور به فرار گشتند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحدان شویم!

# تازه‌های روز

## فتو دالها جنایت می‌کنند و...

یکی از فتو دالهای روستای آب‌سردان بخش لوداب از توابع بویراحمده، روستائی را که برای جمع‌آوری علوفه زفته بودند، به قتل میرساند و می‌گریزد. این جنایتکار، که حبیب بهادر نام دارد، قبلاً نیز یک روستائی دیگر را به قتل رسانده بود.

فتو دالها بسیار جسور شده‌اند و بر کشتار بیرحمانه دهقانان زحمتکش، که دیگر نمی‌خواهند زیر بار زورگویی و غارت بزرگ مالکان و فتو دالها بروند، افزوده‌اند. این زالوهای اجتماع «آریامهری»، از اینکه موقعیت غارتگرانه و غاصبانانه خود را در معرض خطر جدی می‌بینند، بشدت پهرحش افتاده‌اند و با نشان دادن چهره واقعی خود، از هیچ جنایتی برای احیای دوران پیشین، روگردان نیستند. توقف اجرای بند «ج» و بند «د» آنها را در جنایات و تعدیات خود جری‌تر و جسورتر ساخته و در قلب تیره‌وچرکین آنها، امیدی عبث برای غلبه برانقلاب و خواست دهقانان محروم، آفریده است.

حقایق نشان داده‌است که توقف بند «ج» و «د» قانون اصلاحات ارضی، بهیچوجه، محیط تشنج، زورگویی و غارت را در روستاها از میان نبرده، بلکه آنرا تشدید کرده‌است. از آن هنگام تا بحال، دهبا دهقان حق طلب، بر اثر توطئه فتو دالها، یا کشته و یا مضروب گشته‌اند.

پسود انقلاب، عدالت و محرومان است که هرچه سریعتر بند از ای بند «ج» و «د» برداشته شود و ریشه غارتگران و جنایتکاران از روستاهای کشور برکنده گردد.

## ... خرمن‌هارا میسوزانند

برداشت محصول نزدیک است و میلیونها دهقان زحمتکش و انقلابی، که زمینها را به سنگرتبدیل کرده‌اند و ماهها روی آنها جان کنده‌اند، اکنون در انتظار برداشت محصولند که چون خاری در چشم دشمن متجاوز، امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آنها، فرو میرود. با رشد خوشه‌های گندم و نزدیکی برداشت محصول، فتو دالها و ضدانقلاب به تکاپو افتاده‌اند. آنها که پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را شکست و ناکامی خود میدانند و از رقص خوشه‌های گندم، اگر دسترنج دهقان و متعلق به او و در خاک ایرانی مستقل، آزاد و آباد باشد، متنفرند، به ایفای نقش شوم خود برخاسته‌اند و دور از چشم مردم، آتشی در خرمنها می‌افکنند. بر پشت انقلاب خنجر فرو می‌کنند، تا نیروی مقاومت آنرا در برابر دشمن تضعیف کنند.

فتو دالها و ضدانقلاب، اینبار خرمنهای دهقانان اطراف قم را به آتش کشیده‌اند و بحق خشم و اعتراض دهقانان، سپاه پاسداران قم و نیروهای جهاد سازندگی و بسیج را علیه خود برانگیخته‌اند.

با این جنایتکاران مسامحه نشاید. بند «ج» و «د» را اجرا کنید!

## تجار غارتگر، سپیری ناپذیرند

روابط عمومی بانک مرکزی ایران، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است: «واردی مشاهده شده است که واردکنندگان کالا برخلاف مقررات از ورود و ترخیص کالا، هائی که برای آنها به‌ارز پرداخت شده‌است، خودداری می‌کردند و بهای کالاهای وارداتی را بیش از ارزش واقعی آنها اعلام میداشتند.» (جمهوری اسلامی، ۱۰ خرداد ۶۰)

ملاحظه میکشید؟ تجار غارتگر و سوداگر، نه فقط با واردات بیرویه کالا و فروش بی‌کنترل آنها به چندین برابر قیمت به مردم زحمتکش، تنها در سال ۵۹، یک قلم ۱۲۰ میلیارد تومان از دسترنج مسردم زحمتکش سود

برده‌اند، و نه فقط مالیاتی نپرداخته‌اند، بلکه میدان ترکتازی و سودورزی را آنچنان فراخ دیده‌اند که حتی بهای کالاهای وارداتی را نیز بیش از ارزش کالاهای اعلام نموده و حتی از ترخیص آنها خودداری کرده‌اند.

با این مشت مفتخوار، که از خون مردم، خون آوارگان جنگ، خانواده‌های شهدا و محسرومان جامعه، می‌کنند و ارتزاق میکنند و بی‌چسب سود، هدفی و بی‌چسب راهزنی حرفه‌ای ندارند، باید قاطعانه برخورد کرد.

بازرگانی خارجی باید ملی شود و مالیات مستقیم تصاعدی از این سودهای بادآورده و پنبف محرومان جامعه باید اخذ گردد.

## افکار عمومی را در جریان حقایق مربوط به سرقت اسناد وزارت امور خارجه بگذارید

انجمن اسلامی وزارت امور خارجه، طی اطلاعیه‌ای، مسائلی را در رابطه با سرقت اسناد وزارت امور خارجه و سوابق کار مسئولان سابق این وزارتخانه مطرح کرده است. در این اطلاعیه، انجمن اسلامی وزارت امور خارجه، ضمن اعلام اینکه:

سرقت اسناد را يك توطئه از قبل طراحی شده، قلمداد کرده و این توطئه نه برای اولین بار، که بدنبال جنایتها و خیانتهاى است که توسط ناطقی‌ها و همکاران شبکه‌اش صورت گرفته است و تمام کسانی که بهر شکلی در طرح و اجرای آن سهیم بوده‌اند، باید به پای میز محاکمه کشانده شوند، (جمهوری اسلامی، ۱۰ خرداد ۶۰)

از جمله مسائل زیرا را مطرح میکند:

دانشیاء و جواهرات و اسلحه‌های گرانقیمت اهدا شده و نیز قالیچه و تابلوهای ذیقیمت که در زمان آقای قطب‌زاده از انظار دور شده‌اند، در کجا ضبط و نگهداری میشوند؟

دیگر گرفتن مزدوران ساواک و نوکران خود فروخته نظام شاهنشاهی بعنوان مشاور و محرم اسرار،

اعزام افراد غیر مسئول و بی‌تقوا و فرصت طلب و چه بسا ضدانقلاب به خارج از کشور، بعنوان نماینده جمهوری اسلامی از طرف وزیر و کفیل وقت وزارتخانه، بمعنای شرکت در اعمال ضدانقلابی و سوءاستفاده‌های مالی و غیرمالی و زشت جلوه دادن ماهیت انقلاب اسلامی محسوب نمیشود؟

«صدور غیرمجاز گذرنامه خدمت و سیاسی برای هم‌خط‌ها و ضدانقلاب و دادن خروجی غیرقانونی به ضدانقلاب توسط شخص ناطقی، فراری دادن بختیار را در آذهان ملت تداعی نمیشود؟» (همانجا)

مسائلی که انجمن اسلامی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است، از اهمیت بسیار برخوردارند و ضرور است که هرچه سریعتر به آن رسیدگی شده و مردم در جریان حقایق قرار گیرند.

## توسط هیئت ۳ نفره حل اختلاف:

## روزنامه‌های «میزان» و «انقلاب اسلامی» رسماً متخلف اعلام شدند

رئیس جمهور نیز متخلف از فرمان ۱۰ ماده‌ای امام خمینی و قانون اساسی اعلام شده.

آن است. در مورد روزنامه‌ها، هیئت روزنامه «انقلاب اسلامی» را در موارد زیادی بررسی نموده و تخلف آنرا محرز می‌داند. ضمناً در آینده آمار دقیق طومسارها، نامه‌ها و تلفنهایی را که توسط طبقات مختلف مردم از سراسر کشور نسبت به موارد تخلف این روزنامه رسیده است به اطلاع مردم شریف ایران خواهیم رساند. روزنامه «میزان» هم در مواردی و بخصوص در شماره‌های اخیر تخلفاتی داشته و هیئت رسماً آنرا متخلف می‌داند و از دادستانی می‌خواهد که درباره آنها و روزنامه «آرمان ملت» و «چپه ملی» و جریده‌هایی که قبلاً متخلف شناخته شده‌اند، بطور جدی و سریع اقدام مقتضی معمول دارد.

وی آنگاه نظر هیئت ۳ نفره حل اختلاف را بدین شرح اعلام کرد: «هیئت با اکثریت آراء به مرحله‌ای رسیده است که باید متخلف را به مردم معرفی نماید و مدارک را به دادستانی بدهد. در این مرحله به اطلاع مسردم شریف ایران می‌رسانیم که متأسفانه رئیس‌جمهور، آقای بنی‌صدر در سخنرانی خود برای پرسنل پایگاه هوایی شیراز و همچنین در ۲ مصاحبه اخیر که در روزنامه‌ها منعکس شده‌است برخورد منطقی و اصولی نداشته و از یایه ۱۰ ماده‌ای امام تخلف نموده‌اند و از قانون اساسی نیز تخلف داشته‌اند که امضاء نکردن مصوبه مجلس در مورد سرپرستی وزارتخانه‌های بی‌سرپرست دلیل

حجت‌الاسلام محمد یسزندی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت ۳ نفره حل اختلاف، پس از جلسه روز یکشنبه ۱۰ خرداد در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس، نظر این هیئت را در مورد اظهارات رئیس‌جمهور و نیز روزنامه‌های «انقلاب اسلامی» و «میزان» اعلام کرد.

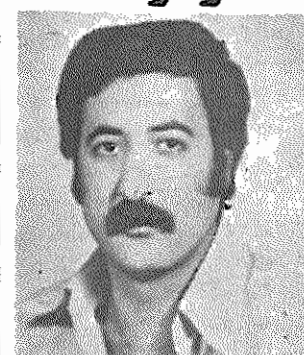
وی در این مصاحبه ابتدا تأکید کرد: «هیئت معتقد است طبق دستور امام برخورد با مسائل نباید به گونه‌ای باشد که تشنج آفرین بوده و موجب تشویش اذهان عمومی شود و مردم را در برابر هم قرار دهد و این نحو برخورد است که ممکن است موجب تضعیف روحیه رزمندگان شجاع ما در مرزها بشود.»

## وزارت آموزش و پرورش: روز جهانی کودک را به اعتراض عمومی علیه آمریکای جنایتکار و رژیم فاشیست عراق تبدیل کنیم

روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش به مناسبت روز جهانی کودک (۱۱ خرداد) اطلاعیه‌ای منتشر کرد و طی آن اظهار امیدواری کرد: «با فرارسیدن روز جهانی کودک و دن پناه جمهوری اسلامی، خواهران و برادران نوجوان ایرانی به جای کار در دغه‌ها و کارگاهها به آموزش و یادگیری بپردازند.»

در این اطلاعیه همچنین از همگان خواسته شده است: «۱۱»

## در گذشت يك کارگر توده‌ای



روز ۱۲ اردیبهشت ۶۰، رفیق حمید فتحی امیرخیز، کارگر وفادار و مبارز توده‌ای، بر اثر يك بیماری خونی، درگذشت و رفا، دوستان و نزدیکانش را در تاسف و اندوه فرو برد.

رفیق حمید فتحی امیرخیز درسال ۱۳۳۰ در تبریز در يك خانواده کارگری (پدر و چهار برادرش همگی کارگر بودند) متولد شد. وی دوران تحصیل ابتدائی را در تبریز گذراند و سپس راهی تهران شد و در يك کارگاه کفاشی مشغول بکار گشت. او بعد از ۱۰ سال فعالیت و کوشش شبانه‌روزی در کارگاههای کفاشی، خود يك کارگاه کفاشی برپا کرد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، رفیق حمید، راه حزب

## ترویج فساد توسط ضدانقلاب، ساوه را تهدید می‌کند

ترویج فساد و تشکیک محافل قماربازی و شیره کشی در شهرستان ساوه و روستاهای اطراف آن و همچنین برگزاری مجامع مختلف از سوی گروهکهای ضدانقلابی، سلامت و آرامش این منطقه را به خطر انداخته است.

این عارضه در آسیابك زرند، یکی از روستاهای اطراف شهرستان ساوه، به شکل نگران‌کننده‌ای به چشم می‌خورد. این منطقه همچنین کانون تشکیک گروهکهای ضدانقلابی شده است، که هر کدام به نحوی باعث ایجاد رعب و وحشت در میان مردم شده‌اند.

در ماه و نیمه، یکی دیگر از روستاهای اطراف ساوه، نیز عوامل فتو دالها، ضدانقلابیون و سلطنت طلبان به شیوه‌های مختلف سعی در ایجاد بدبینی نسبت به نهادهای انقلابی و در میان مردم دارند.

ما از مقامات مسئول مصرانه می‌طلبیم که با شناسائی و پیگرد این عوامل و عناصر، از فعالیت‌های ضدانقلابی جلوگیری بعمل آورند.

## کمیته مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

وطن‌اوغلی از تهران جمع‌آوری در جشن نامزدی ۲۰۰۰ ریال ۲ - غ ۲۰۰۰۰ ریال رحمان از دماوند ۴۰۰۰ ریال کارگاه هلندی ۱۰۰۰ ریال

## صنایع و معادن ...

بقیه از صفحه ۱

در اختیار دارد که حتی با صادرات محدود نفت و گاز می‌تواند به موازات تأمین ضروریات روزمره زندگی مردم، سرمایه‌های لازم برای ایجاد صنایع سنگین را در اختیار داشته باشد و با بهره‌گیری از همه امکانات مساعد و مناسب برای انقلاب ایران در صحنه جهانی و به ویژه امکانات مناسبی که کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مستقل از تسلط امپریالیسم، می‌توانند در اختیار انقلاب ایران بگذارند، بنای این

استخوان‌بندی اساسی اقتصاد ایران را بالا ببرد. ثروت ملی میهن ما اجازه می‌دهد که به موازات گسترش صنایع سنگین، بسویژه ذوب فلزات سیاه و رنگین و پتروشیمی و ماشین‌سازی، ما بتوانیم همه رشته‌های صنایع سبک یعنی تهیه کالاهای مصرفی را گسترش دهیم و در راه تأمین خودکفائی کام‌های پرشتابی برداریم.

در مورد گسترش فعالیت اقتصادی در زمینه بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی به‌ویژه نفت و گاز و دیگر ثروت‌های معدنی، حزب توده ایران بر آن است که این ثروت‌متعلق

## مضروب کردن یکی از هواداران سازمان جوانان توده ایران در خرم‌آباد محکوم است

عوامل ناشناخته‌ای شب‌ها به‌خانه هواداران انقلاب حمله مسلحانه می‌کنند و اخیراً خانه‌ای رانین به رگبار مسلسل بستند.

ما از مقامات مسئول مصرانه می‌خواهیم که مجدانه در مقام تعقیب و مجازات این افراد بایند و اجازه ندهند که ضدانقلابیون

به دنبال گسترش فعالیت‌عوامل ضدانقلاب در خرم‌آباد، یکی از هواداران سازمان جوانان توده ایران، روز ۳۱ اردیبهشت ماه جاری، مورد حمله چند ضدانقلابی مسلح قرار گرفت و به شدت مجروح شد. ضدانقلابیون مزبور، که یکی از آنها صورت خود را پوشانده بود، همچنین با چاقو رفیق ما را مضروب کردند.

از سوی دیگر مدتی است که

برای اطلاع خوانندگان گرامی - که از ما سؤال کرده‌اند - متذکر می‌شویم که

به مناسبت هجدهمین سالگرد قیام تاریخی ۱۵ خرداد - قسمت اول

# قیام خلق به رهبری امام خمینی چگونه آغاز شد؟

خود جنبه عمومی دادند. در بهار ۱۳۴۲ دیگر فریادهای مقاومت در برابر سیاست های ضد ملی و ضد دیموکراتیک شاه بگوش می رسید.

## حمله به مدرسه فیضیه

رژیم خود فروخته شاه، که خطر را نزدیک می دید، می دانست که اگر امواج اعتراض مردم، که هر لحظه ایجاد گسترده تری بخود می گرفت، در نقطه خفه نشود، تاج و تختش را درهم خواهد کوبید. جلادان شاه - آمریکا برای سرکوب امواج قیام در نقطه، روز دوم فروردین ۱۳۴۲ (به مدرسه فیضیه قم حمله کردند و کشتار معروف مدرسه فیضیه قم

۱۳۴۱) حزب توده ایران در آن هنگام، تنه‌آزای برای مقابله با این توطئه جدید را سرنگونی رژیم شاه - آمریکا اعلام کرد. برای ساقط کردن دولت دکتر امینی، برای منهدم کردن رژیم کودتا و برای استقرار یک دولت ملی باید مبارزه کرد. تا وقتی که رژیم دیکتاتوری سلطنتی در ایران وجود دارد و امور کشور تحت نظارت و در دست محمدرضا شاه است، راه هرگونه تحول عمقی و اساسی در ایران مسدود است. باید مبارزه کرد و دانست که راه خروج از بحران، تنها و تنها منهدم کردن رژیم کودتا است. (دنی، دوره دوم، سال سوم، شماره اول بهار ۱۳۴۱) و این خروش تنها از جانب حزب طبقه کارگر ایران فریاد نمی شد. مسلمانان

از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲، یعنی طی ۱۰ سال، رژیم پهلوی با چپاول، کشتار و سرکوب زحمتکشان این مرز و بوم کوشید تا این رسالت را به نحو احسن به موقع اجرا گذارد. واقعیت دردناک زندگی مردم، فقر و فلاکت آنها گواه این واقعیت بود که این رژیم نمی خواهد و نمی تواند ایران را در جاده تکامل و تعالی قرار دهد. در دوران مورد بحث، سرپای نظام اجتماعی - اقتصادی ایران را بحران فزاینده ای فرا گرفته بود. دولت های دست نشانده یکی پس از دیگری با فضاحت کناری رفتند. از این جهت امپریالیسم آمریکا، برای حفظ سلطه خویش بر ایران و جلوگیری از جنبش فزاینده مردم، که هر لحظه وقوع آن نزدیک تر می شد، نوعی اصلاحات نیم بند را به شاه توصیه کرد. مدت ها پیش از اجرای این "اصلاحات"، جان آف کندی، رئیس جمهور وقت آمریکا، در ۲۵ مه ۱۹۶۱، در نامه ای به کنگره آمریکا ضمن کافی ندانستن پیمان های نظامی برای حفظ کشورهای تحت سلطه و ضمن تأیید "خطراتی که متوجه این کشور - هاست"، خود را زوم اصلاحات نیم بند را خاطر نشان ساخته بود. این "سیاست جدید"، که گروهی از رهبران درجه اول ایالات متحده آمریکا - یعنی نمایندگان انحصارات بزرگ میلیتاریسم آن بودند، با نسیان مسخره "انقلاب سفید شاه مردم" به روی صحنه آمد. هدف این "اصلاحات" عبارت بود از زمینه سازی برای نفوذ بیشتر سرمایه های امپریالیستی به ایران، تبدیل ایران به کشور صرف کننده با زیربنای سرمایه داری وابسته در چارچوب تقسیم بین المللی کار در اردوگاه سرمایه داری و جلوگیری از رشد مبارزات مردم.

به همین دلایل بود که این حمایت موجب خشم رژیم شاه قرار گرفت. آنها نخست کوشیدند با اعلام مسخره های واقعیت که حزب ما از قیام ۱۵ خرداد و امام خمینی پشتیبانی کرده است، تئوری کهنه و منسوخ "اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه" را به میان آورند و مردم انقلابی ایران را از ادامه چنین مبارزاتی "که مورد پشتیبانی کمونیست ها است" بر حذر دارند. (شیوه ای که هم اکنون ضد انقلاب و لیبرال های کهنه کار و مافوقیست های آمریکایی، با عنوان مطالبی چون "القائه ایدئولوژی" و... پیشه کرده اند و بدین ترتیب جا پای ساواک و رژیم محمد رضا شاهی گذاشته اند).

به موازات این شیوه، دستگاه تبلیغاتی شاهی، ساواک و دیگر وا - خورندگان "سیاست باز ایران کوشیدند چنین وانمود سازند که حزب توده ایران قیام ۱۵ خرداد را "حرکتی ارتجاعی" خوانده و آنرا "محکوم" کرده است. چپ نماها نیز به نوبه خود این تبلیغات را لعاب "علمی" دادند. همایش وا - خورندگان کوشیدند تا با تبلیغ این اراجیف خنده آور، خصومت انقلابی و اصولیت حزب ما را زیر علامت سؤال قرار دهند. هدف از این تبلیغات روشن بود: کوشش برای جلوگیری از اتحاد میان مبارزان راه اسلام انقلابی و پیروان سوسیالیسم علمی. این بود هدف غایی همه خود فروختگان و واخوردگان دستگاه های جاسوسی سیا، ساواک و اینتلیجنت سرویس، که در سالهای بعد از حمله با کودتای "پیکار در" سازمان مجاهدین خلق " دنبال شد. اکنون نیز تلاش عمده "نیروی امپریالیسم و جاسوسان آشکار و پنهانش، برای جلوگیری از اتحاد این دو نیروست.

از نقطه نظر تاریخی اجتماعی قیام یک خلق علیه حاکمیت استعمار - گران و مستعمران، به منزله "به صدا درآمدن ناقوس مرگ سلطه آنهاست. هنوز ۱۱ سال از کودتای آمریکایی شاه ملعون نگذشته بود که در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مردم قهرمان ایران "آرامش" نسبی رژیم شاه را، که به کمک سیا - ساواک بوجود آمده بود و چنین تبلیغ میشد که "ابدی" است، با قیام تاریخی خود بر هم زدند و خواب جلادان را بر - آشفتنند.

قیام ۱۵ خرداد در تاریخ جنبش انقلابی ضد امپریالیستی و ضد - دیکتاتوری ایران اهمیت ویژه ای دارد. مردم انقلابی ایران من در این روز، پس از یک دوره کودتای سکون نسبی، علیه استبداد، بیدادگری و ظلم رژیم سرپا و وابسته به امپریالیسم بیخاستند و با طرح شعارهای ضد استبدادی، خواستار سرنگونی دستگاه جبار پهلوی شدند. از سوی دیگر، این جنبش از آن جهت با اهمیت است که مردم انقلابی ایران برای چندمین بار تفاوت میان اسلام انقلابی و اسلام و عاظم السلطنین، اسلام خمینی ها و اسلام بهبهانی ها، و یا بگفته امام خمینی، اسلام آمریکایی را در عمل دیدند. مضاف بر این ها در جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقش برجسته امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران چهره ای که پس از گذشت ۱۵ سال، به محور اتحاد همه نیروهای خلق در راستای انقلابی سدا میریالیستی و مردمی مبدل گشت، نمایان شد.

قیام ۱۵ خرداد که تجلی اراده شکست ناپذیر مردم انقلابی ایران بود، گرچه نتوانست به هدف اصلی خود، یعنی سرنگونی رژیم محمد رضا شاه، دست یابد، اما توانست مهر و نشان خود را بر روی مبارزات این مردم بگذارد و به جهانیان نشان دهد که مردم انقلابی ایران خواستار سرنگونی رژیم سلطنتی، خواستار حکومتی متکی بر اراده خلق و طرفدار همه جانبه سلطه امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به میهن خود هستند.

قیام ۱۵ خرداد تجلی "نو" در مقابل "کهنه" بود. این "نو" که در آن روزها دوران جوانی خود را می - گذراند، پس از گذشت ۱۵ سال توانست بر پایه مجموعه ای از شرایط داخلی و خارجی، "کهنه" را که همانا رژیم سلطنتی ۲۵۰۰ ساله باشد، به زباله دان تاریخ بیندازد و برای اولین بار رژیم جمهوری را در ایران برپا کند.

قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ از همان آغاز با کینه و خشم عظیم دشمنان خلق روبرو گشت. رژیم شاه ملعون کوشید با کشتار و قتل عام مردم بیخاسته در این روز، با دستگیری و تبعید رهبران درجه اول آن و در راس آنها امام خمینی، و با انواع ترندهای دیگر، این قیام را سرکوب کند. رژیم شاه آمریکا هم چنین کوشید که خاطره این روز تاریخی را در میان انبوهی از افتراها و برجسب های ناچسب، چون "مخالفت اصلاحات ارضی"، "ارتجاعی"، "مخالفت آزادی زن" پنهان سازد. اما زندگی نشان داد که جنبش خلق هار احتی در میان دریایی از خون هم نمی توان خفه کرد. هر چه جلادان آریامهری علیه قیام ۱۵ خرداد یاوه بافتند، نیروهای انقلابی آن را ستودند.

حزب توده ایران، به پیروی از روشی اصولی خود، با ارزیابی علمی و واقع - بینانه، جنبش ۱۵ خرداد را قیام خلق علیه ستم و استبداد ارزیابی کرد. حزب توده ایران شخصیت استثنایی امام خمینی را در این جنبش ستود و مورد حمایت و پشتیبانی بی دریغ خود قرار داد و برای اولین بار نطق امام خمینی را از رادیو بیگانه ایران پخش کرد و در سطح وسیعی به توده ها منتقل ساخت. درست

## ☆ امام خمینی بعد از اعلام «انقلاب سفید» شاه - آمریکا طی سخنانی گفتند:

«انقلاب سفید کردی؟ انقلاب سفید بی کردی؟ چه انقلاب سفیدی کردی؟ چرا اینقدر می خواهی مردم را اغفال کنی؟ چرا مردم را اینقدر تهدید می کنی؟»

با انتخاب علی امینی به نخست وزیر، زمینه برای چنین اقدامی بیش از پیش فراهم گشت. این نوکر گوش فرمان آمریکا، پس از انتخاب شدن به مقام نخست وزیر، در مقاله ای در روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰، اعتراف کرد که "انقلاب سفید" در حقیقت اقدامی است به توصیه آمریکا، برای جلوگیری از "انقلاب سرخ" در ایران! حزب ما، در همان سالها، با بررسی همه جانبه از این "اصلاحات" و هدف اصلی آن، اعلام داشت که این اقدامات همه در جهت تثبیت رژیم دیکتاتوری، تثبیت سلطه امپریالیسم آمریکا و جلوگیری از سقوط رژیم شاه است؛ "محتوی مواعید و دعاوی "اصلاح طلبانه" شاه و دیگر سردمداران کودتا چیست؟ در ابتدا باید گفت که محتوی این مواعید و دعاوی اصلاحاتی به هیچ وجه آن نیست که در ساخت و نظام اجتماعی کشور با تحولات بنیادی رخ دهد و قدرت حاکمه از چنگ نیروهای مطیع استعمار منتقل گردد و فئودالیسم در میهن ماریشکن و اقتصاد مترقی و متحرک بنیاد گذارده شود. اصلاً "ابداً" چنین قصدی در بین نیست و چنین منظره ای دیده نمی شود. برعکس، هدف حفظ وضع موجود، یعنی حفظ رژیم دست - نشانده استعمار حفظ امتیازات طبقاتی، ملاکان و سرمایه داران دلال، حفظ تسلط دربار پهلوی و ادامه سیاست داخلی و خارجی ضد ملی است." (احسان طبری - دنیا سال سوم، شماره دوم، تابستان

تنها تاریخ نشان داد که پشتیبانی حزب ما از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی نه فرصت طلبی است، نه ریشه در ترس و است و نه نریا، بلکه ریشه درک صحیح حزب طبقه کارگر ایران از جامعه و صف بندی نیروهای اجتماعی ایران دارد.

## ریشه های جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، برای سلطه بی چون و چرای خود بر ایران، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با اجرای یک کودتا، دولت قانونی و ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون ساخت و محمدرضا پهلوی را دوباره بر "تخت جلیل سلطنت" نشاند.

رژیم محمدرضا شاه کوشید، تا آنجا که در توان دارد، زمینه های نفوذ هرچه بیشتر ارباب خود امپریالیسم آمریکا را بر ایران هموار سازد: "دمکراسی آمریکایی" را برای چپاول آزادانه مردم به ایران بازگرداند و ایران را به "شاهراه تمدن"، آنجا که انحصارات فوق چند ملیتی در انتظارند سوق دهد.

☆ حزب توده ایران بعد از اعلام «انقلاب سفید» شاه - آمریکا اعلام کرد: «تا وقتی که رژیم دیکتاتوری سلطنتی در ایران وجود دارد و امور کشور تحت نظارت و در دست محمدرضا شاه است، راه هرگونه تحول عمقی و اساسی در ایران مسدود است. باید مبارزه کرد و دانست که راه خروج از بحران تنها و تنها منهدم کردن رژیم کودتا است.»

رادر تاریخ سیا جنایات خود ثبت کردند. از اولین ساعات باامداد روز دوم فروردین، ماشین های شرکت واحد، در حالی که گروه گروه جماعت بدستان را حمل می کردند، وارد قم شدند. از سوی دیگر، ده ها کامیون نظامی، که مجهز به مسلسل بودند، نظامیان راه قم آوردند. گراز - های شاه پس از متور کوتاهی در داخل شهر، در خارج آن موضع گرفتند. بعد از ظهر این روز، یک مجلس سوگواری در مدرسه فیضیه قم برپا شد، چنانکه معمول اینگونه مراسم بود، در این روز نیز سیاست های ضد ملی و ضد دیموکراتیک رژیم شاه محکوم شد. مزدوران پس از باخبر شدن از این جریان، کامیون های حامل سربازان را از خارج شهر بسوی مرکز شهر روانه ساختند و مدرسه فیضیه را محاصره کردند. در همین هنگام جماعت بدستان آریامهری به میان جمعیت، که در صحن مدرسه گرد آمده بودند، هجوم بردند. جماعت بدستان با شعارهای "جایده شاه" به جان مردم، طلاب و روحانیون حاضر در صحن افتادند. حاضرین در صحن، در مقابل این یورش نا جوانمرانه، دست به مقاومت زدند و با سنگ و آجر به دزدخیمان حمله ور شدند. در همین هنگام "نیروهای مسلح شاهنشاهی" وارد عمل شدند و بسوی مردم، طلاب و روحانیون آتش گشودند. جماعت بدستان نیز با مشاهده این نیروی کتکی بر شدت وحشیگری های خود افزودند. آنها هر کس را در مقابل خود می یافتند، مورد ضرب و شتم قرار می دادند و هر آنچه را در برابر خود می دیدند، خراب می کردند. حمله مزدوران آریامهری تا بعد از ظهر همان روز ادامه داشت.

بدین ترتیب، شاه و مزدوران او به گمان خود موفق شدند که اولین امواج اعتراض مردم را با کشتار و ضرب و شتم روحانیون و طلاب مدرسه فیضیه قم متوقف کنند.

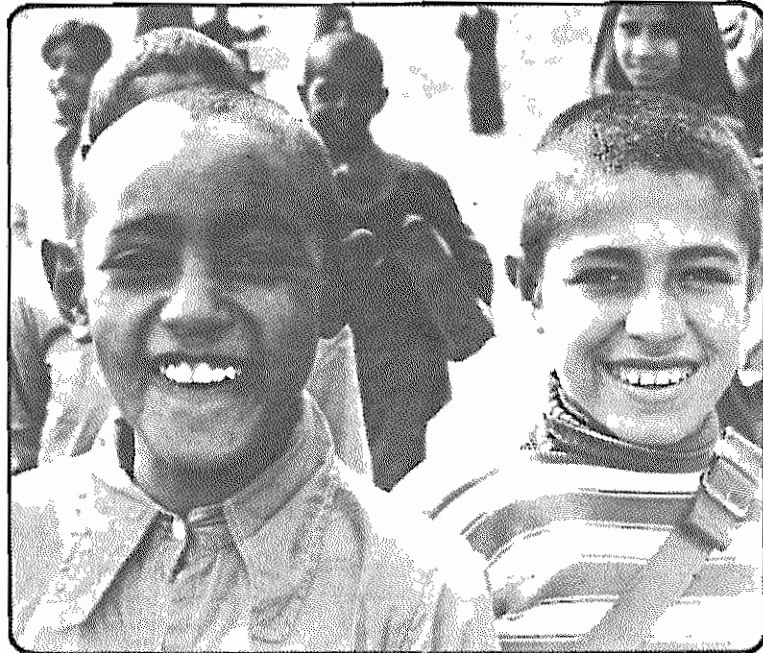
اما واقعیت چیز دیگری بود. با نزدیک شدن روزهای عزاداری تا سوعا و عاشورا، سر تعداد راهپیمایی ها و تظاهرات افزوده شد. هر چه این روزها نزدیک تر می شد، تظاهرات بیشتر رنگ سیاسی تر بخود می گرفت. آشکارا معلوم بود که هیچ چیز نمی تواند جلوی خشم مردم را بگیرد. آنها مصمم بودند که رژیم شاهنشاهی را از گردونه تاریخ خارج سازند.

ادامه دارد

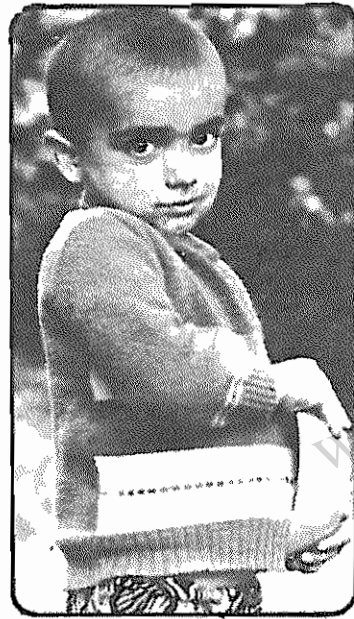
# کودکان ایران می...

## کودکان کار

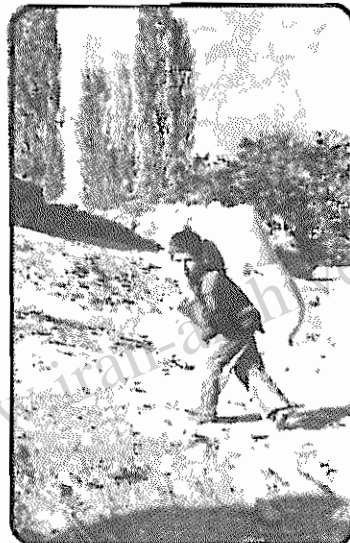
بیشترین سهم کار، کمترین دستمزد،  
مخروم از کمترین سهم دسترنج خویش



گلخنده‌های پیروزی انقلاب کودکان ایران عکس از: بهروز رشاد



کودک - عکس از بهروز رشاد



قامت ظریف این کودک، زیر پاری که دو برابر وزن خود او سنگینی دارد خرد میشود



کارگران اطوگش جوراب تبریز

آیا بهتر نبود که این کودک بجای میزکار، پشت میز مدرسه قرآن می‌گرفت؟

دشنام و بد رفتاری جای توضیح باقی نمی‌ماند. ساعات کار با هیچ چارچوبی محدود و محصور نمی‌شود. محیط کار آنان ابدابهداشتی نیست. اما خانواده را باید تامین کرد. بسیاری از این نوجوانان بارمخارج تاده نفر را برعهده دارند، اما دستمزد آنان در برابر کار مساوی با بزرگسالان، دستکم پنج برابر کمتر است.

کودکان، اما، در برابر این همه ناملایمات، لحظه رالحظه مبارزه و فداکاری در راه انقلاب می‌بینند. دشمن اصلی آمریکا، این سر دسته امپریالیسم جهانی را نیک می‌شناسد و مفهوم واقعی تجاویز رژیم جنایتکار صدام به انقلاب ایران را دریافته‌اند. آنها چشم امید به نظام جمهوری اسلامی ایران دوخته‌اند: امید به روزی، امید زندگی دور از سلطه امپریالیسم، کلان- سرمایه‌داران و بزرگ مالکان!

کارگران خردسال میهن ما بیش از صد هزارند. آنها در کوره‌های خانه‌ها، کارگاه‌های قالی بافی، کارگاه‌های کوچک صنایع، در مزارع و کشتزارها، در کار فروشندگی و کارهای دشواری از قبیل باربری و حتی در صنایع کاری می‌کنند. برای کودکان کار قانسونی وجود ندارد، زیرا اساس کار آن‌ها مبتنی بر احتیاج است، و کار فرمایان از این نیروی ذخیره پایان ناپذیر بیشترین سود را می‌برند، دزدانه آن‌ها را بکار می‌گیرند، نیروی کار آنها را به ثمن بخس و به پیشیزی ناچیزی می‌خرند و تا آخرین درجه ممکن شیره‌جان و توان آن‌ها را می‌کشند. دسترنج کارگران خردسال بیشترین سود را نصیب کار فرمای می‌کند، زیرا برای خردسالان زحمتش مزایایی وجود ندارد. آن‌ها مطلقاً بیمه نیستند و نمی‌توانند باشند. کار آنان رسمیتی ندارد. تنبیه جسمانی نیز در مورد آنان بطور گسترده اعمال می‌شود و از نظر توهین،

### کودکان قالی باف سراب:

## چشم انتظار انقلاب در زندگی خود

به دیدار کودکان و نوجوانانی رفتیم که مجبورند برای تامین مخارج خانواده، پایه پای بزرگسالان، نیروی کار خود را به ازای چند تومان در روز، در اختیار "ارباب" بگذارند. به دیدار کودکانی رفتیم که باید پشت میز مدرسه باشند و دار قالی.

کودکان قالی باف شهرستان سراب هر روز صبح زود در هوای گرگ و میش راهی کارگاه‌های قالی بافی می‌شوند و هنگام غروب آفتاب، پس از چندین ساعت کار طاقت فرسا، خستگراهی خانه می‌شوند، بدون آفتاب، بدون بازی، بدون لیخنند.

فاطمه ده ساله می‌گوید: "هنگامی که در ده زندگی می‌کردم، به مدرسه می‌رفتم، ولی از آن وقتی که به سراب آمدم، دیگر نتوانستم به مدرسه بروم چرا؟"

"چون پدرم بیکار بود و نمیتوانست خرچمان را در آورده و اجباراً ما به اتفاق دو خواهرم به کارگاه قالی بافی فرستاد." از او پرسیدیم: "چرا زده آمدید؟ مگر بدرت زمین نداشت؟"

اوساکت ماند و خیره در چشمانمان شد، انگار چشمانش بجای زبان حرف می‌زدند: "اگر زمین داشتیم که به شهر نمی‌آمدم. مگر روستایی جز زمین چیز دیگری می‌خواهد؟"

یکی دیگر از کودکان، که فقط چهار سال دارد، فقط این را می‌داند که: "پدرم گفت باید اینجا کار کنی." کودک چهار ساله! فکرش را بکنید، این کودک با کدام نیرو می‌خواهد قالی ببافد؟ تازه کلمه قالی را هنوز به زور تکرار می‌کند. عشرت و اکرم حتی نمی‌دانند که چند سالشان است. آنها نیز می‌گویند:

"دوستانمان به مدرسه می‌روند، ولی پدر ما گفت که برویم کار کنیم." آن طرف تر جوانی غم هایش را در "بایاتی" (۱) ها زیر لب زمزمه می‌کند. نام او محمد است و شانزده سال دارد: "هفتتای هزار و چهار صد ریال مزد می‌گیرم. دلم می‌خواهد که درس بخوانم، ولی نمی‌توانم، چون باید خرج

(۱) آوازهای دوبیتی آذربایجانی

انقلاب کودکان را هم آزاد کرد. آنان از سموم تبلیغات مخدر امپریالیستی و طاغوتی رها شدند. نکت اسارت و ختک ترس از آینده فضای میهن را ترک گفت. انقلاب مؤدهرسان دنیای نو برای کودکان بود. کودک ایرانی پیام انقلاب را بگوش جان شنید و به خیابان آمد. درس تازه‌ای آغاز شده بود. آنها که هنوز ساده‌ترین کلمات را نمی‌توانستند بخوانند، بر در دیوار شهر می‌نوشتند: مرگ بر شاه خائن و مرگ بر آمریکا!

در صفوف فشرده انقلاب، چهارراه‌های حکومت، عنبرین خیابان‌های خونین رزم‌های خیابانی می‌کردند. تفنگ‌های شاه را برابرنو نهالان کمترین اثری خطوط کودکانه شعار بر روی دیوار شهر و روستای میهن ما، که با گذشت نزدیک به سه سال، هنوز باقی است، از دست‌های ظریفی نشان دارند که سرافراز بر برابر سرب مذاب فریاد سرخ خود رس داده‌اند.

صدها تن از کودکان فقط در میدان شهید، در هفدهم شهریور ۵۷، به خون در غلطیدند و روز سیزدهم آبان نیز حماسه دیگری آفریدند، که الهام بخش مادران و پدران آنها شد. مدارس سنگر استواری بود که نظامیان را به زانو در آورده بود. در معابر و مساجد، در بام‌ها و روی آسفالت خیابان‌ها دست و پای کودکان بود که به انقلاب جان می‌بخشید.

پیروزی انقلاب، پیروزی کودکان ایران بود. بشارت آینده روشن بود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافت: دفاع از حقوق کودکان بی سرپرست، تامین آموزش و پرورش و خدمات پزشکی رایگان، تامین مسکن، حفظ آزادی‌ها و... اما هنوز راه زیادی در پیش بود. مدارس گشوده شد، زندگی در میهن انقلابی جوانه کرد.

کودکان فوج فوج در مدارس و از مدارس به خیابان‌ها در نمایش‌های میلیونی "بعدها شاه نوبت آمریکا است" را فریاد کردند و هر جا رزمه توطئه‌ای شنیدند به مقابله برخاستند.

همزمان با جنگ تحمیلی آمریکا - صدام کودکان نیز از نوبت‌ها خاستند. کودکان در خط مقدم جبهه و در سنگر، کوکتل مولوتف می‌ساختند، می‌جنگیدند و می‌جنگند. در تهیه ذوقه، در فراهم آوردن تسهیلات ارتباطی و کارهای تدارکاتی، دوش بدوش هم‌زمان بزرگسال‌خویش، بیشترین کوشش و حضور خویش را عرضه داشتند.

امروز کودک ایرانی می‌آموزد، تا ریشه امپریالیسم و ستم را با آگاهی و اراده خود بشکند.

امروز کودک ایرانی می‌اندیشد، تا زمینه نیل به استقلال و شکوفایی ملی و عدالت اجتماعی، ترقی میهن را تدارک بیند.

امروز کودک ایرانی می‌جنگد، تا دستاوردهای انقلاب را تحکیم و بازگشت ناپذیر کند و راهگسترش آن را هموار کند.

امروز کودک ایرانی چشم و گوش انقلاب بزرگ میهن خویش است. کودک ما، آگاهی و رزم پولادین و آبدیدگی او، ضامن پیروزی‌های آینده انقلاب ماست.

کودک امروز بار بسیار ناملایمات را همچنان بر دوش دارد، اما آینده دیگری پیش روی اوست.

کودک ایرانی، امروز بکلی در دنیای دیگری سیر می‌کند. او از جهان مه‌آلود رویاهای موهوم طاغوت ساخته خارج شده است و پای در دنیای واقعیت - های سترگ و سهمگین جامعه انقلابی خویش نهاده، و در این سنیر و گذر، جان خویش را از اکسیر مبارزه صیقل داده است. اما آنچه که کودک ما از میهن انقلابی و از نظام جمهوری اسلامی ایران

# زمندهومی آموزند



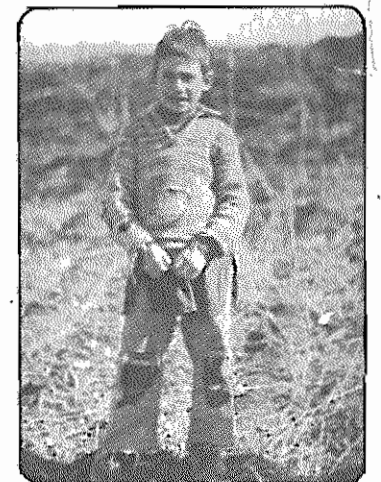
انتظار دارد، بدیهی ترین و طبیعی ترین خواست‌هاست. ایجاد امکانات رفاهی و پرورشی، باغ‌های کودک و تسهیلات پزشکی و بهداشتی رایگان برای عموم کودکان، آموزش همگانی و رایگان برای عموم نوباوگان شهروستا، جلوگیری از کار کودکان کمتر از ۱۵ سال،

تأمین نیاز منسبتی پرورشی از لایق گسترش ورزشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، خانه‌های فرهنگ و اندیشه، نمایشگاه - های انقلابی و برنامه‌های جامع برای آرازموزی انقلابی عموم کودکان ایران. مهم ترین این خواست‌ها آموزش همگانی و رایگان و جلوگیری از کار طاقت - فرسای کودکان است.

آقای هنجنی، رئیس کمیسیون کار امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی، وضع درست نظام انقلابی را در این مینه چنین بیان داشته است:

... بکارگیری اطفال اصولاً جایز نیست، زیرا کودکان تا سنین معینی بایستی (البته با تهیه وسایل لازم از طرف دولت) به تحصیل بپردازند و خود را برای ورود به اجتماع آماده سازند. رئیس کمیسیون کار امور اجتماعی مجلس، سپس با اشاره به وظیفه اولیا اطفال، بویژه در امر تعلیم و تربیت، ه فقرمادی سنا به علت کارگزار دن کودکان

## کودکان روستا: رویای آینده روشن



کودکان کار در روستا

پرداخته می گوید:

"فقرمادی که فرزند خاندان خود را مجبور می کند که فرزندان خود را در سنین پائین بکارگزارند، تا از نتیجه تلاش و کوشش آنها، بتوانند زندگی خانوادگی خود را اداره کنند."

اما این فقر عمومی که از عوارض گسست ناپذیر رژیم مخلوع بود، در نظام انقلابی کنونی و در آینده میهن نهجایی دارد و می تواند داشته باشد. از این نظر این قوی ترین انگیزه کار کودکان از صحنه غایب خواهد شد و سداصلی رشد و پرورش سالم و انقلابی نوباوگان تضمین خواهد شد.

نونبالان ما نیز قویا بر این باورند: و با ترسیم چنین آینده ای است که نمونه درختان سالیان اخیرا، بمثابه کارنامه اصلی خویش، از خود بجای گذاشته اند. از محمدحسین فهمیده "کودک سیزده ساله ای که نارنجک بگر می بندد و خود را بهزیر تانک های دشمن غدار می افکند، تا صدها هزار کودکی که در اقصی نقاط میهن با امید روز را به شام می برند، همه وهمه آرزومند پیروزی انقلاب در برابر دسایس امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، ضدانقلاب پرورده آن و ارتجاع منطقه ساز شکار آن وره گم کردگان هستند، تا فقر و فاقه از میان برخیزد، زندگی از پیرایه های طاغوتی تهی شود، استقلال، آزادی و ترقی با خطوط زرین ترسیم شود و لبخند خورشیدی فردا بر لبان آینده سازان فلات میهن بنشیند.

او یازده سال بیشتر ندارد، این دستها باید با قلم آشنا شود، اما در گل می نشیند

## کودکان کار و درس

### چرا من و دیگر بچه های انقلابی به بسیج میرویم



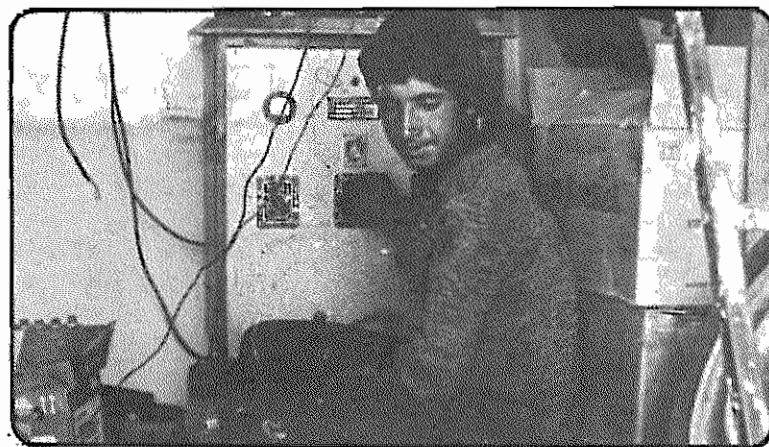
و دیگر دوستانم، که آنها هم همگی بچه های خوب و انقلابی هستند، شبها تا صبح نگهبانی میدهم.

چرا من و دیگر بچه های انقلابی به بسیج میائیم؟ زیرا نمی خواهیم بار دیگر امپریالیسم آمریکا بر ما حکومت کند. بخاطر اینکه می خواهیم نگذاریم ضدانقلاب به توطئه های خود دست یابد. بخاطر اینکه انقلاب و استقلال و آزادی کشورمان را دوست داریم. زیرا همانطور که ما دانش آموزان در روز ۱۳ آبان حماسه آفریدیم، الان نیز باید از دستاوردهای انقلاب پاسدار یکنیم. بله، سایداز دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم. آن دانش آموز ۱۳ ساله با نارنجک هایی که بدور خود بسته بود، جلوی پیشروی تانک های مزدوران صدامی را گرفت و قطره قطره خون خود را در پای درخت تنومند انقلاب فدا کرد. ما نیز با شرکت در بسیج به نوبه خود از انقلاب دفاع می کنیم.

با رهبری امام خمینی و با اتحادمان امپریالیسم آمریکا را نابود سازیم.

نام من محمد شاطریان است. در حدود ۱۵ سال دارم. دانش آموز کلاس سوم راهنمایی و اهل بوشهر هستم. پدر من در بازار ماهی فروشان کار میکند. ماهی فروشان آدم های خوبی هستند و من خیلی آنها را دوست دارم. آنها باید بدانند همانطور که دلاران دارند در جنبه ها جان بازی میکنند، آنها نیز با فروش هر چه بیشتر ماهی، دارند خدمت بزرگی به انقلاب میکنند. ولی آنها یک عیب کوچک دارند. عیبشان این است که با هم متحد نیستند. آنها باید با هم متحد شوند، و متحدان به انقلاب خدمت کنند. خود من محصل هستم صبحها به مدرسه میروم و عصرها هم در دکان کار میکنم. در دکان بچه ها را خرید میکنم و بعد بچه ها را روی ماهی ها می ریزم. خلاصه شب خسته به خانه میروم، و بعد از خوردن شام، در حال خستگی شروع به درس خواندن میکنم. گاهی چرت میزنم و گاهی هم موفق میشوم در سه ساعت تمام کنم. یکی دیگر از وظایف انقلابی من این است که در بسیج محله شب نگهبانی میدهم. من

## از زبان حمزه کارگر خردسال الکتریکی و باطری سازی عقاب (بروجرد)



مردم بود. صد آمریکا بود. دوست محرومین جهان بود. پس خوب بود و باید بهتر هم بشود، مثلا این جنگ، کار آمریکا است، برای اینکه جمهوری اسلامی ایران را نابود کند، برای این که رژیم جمهوری اسلامی ایران ضد آمریکا و ضد سرمایه داری غارتگر است. ما کارگران باید هوشیار باشیم و نقشه های آمریکا را نقش بر آب کنیم.

## پیام من

کارگران باید تولید را بیشتر کنند و بیشتر کار کنند.

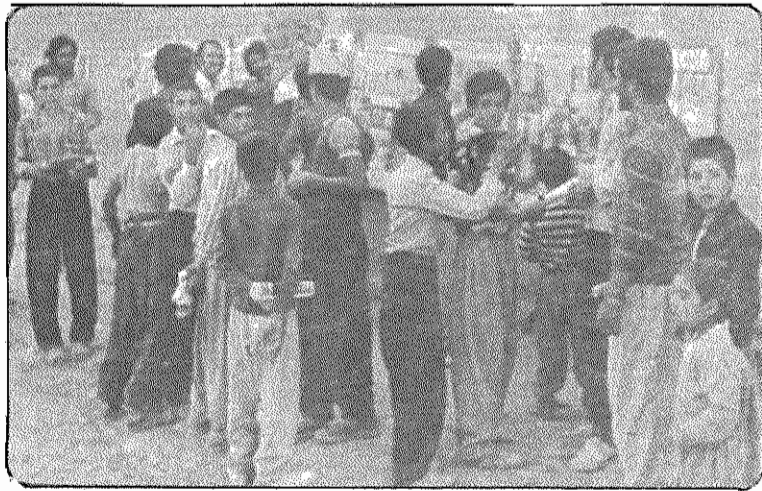
## کار و زندگی

روزها از ساعت ۷ صبح تا ۹ بعد از ظهر کار می کنم. جمعه ها هم کار می کنم. کار تا دیروقت شب، نمی گذارد کلاس شبانه بروم و درس را ادامه بدهم. من تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده ام. هفته ای هشتاد تومان مزد می گیرم. الان یکسال است که کار می کنم.

## انقلاب و میهن

این انقلاب کار مردم بود. برای

## کودکان ایران می رزمند و می آموزند



کودکان و نوجوانان در بحث‌های سیاسی و نمایشگاه‌های ضد امپریالیستی همواره حاضرند - ده طولابی - اسلام‌آباد غرب



تبریز - غلامعلی قنط سیزده سال دارد، ولی مخرج يك خانواده هفت نفری به عهده اوست



کارگران خردسال: هست و نیست ما فدای انقلاب



خشت بر روی خشت، با آرزوی آینده‌ای دیگر، فردائی که نهال انقلاب به میوه بنشیند و زندگی از قید درد و زجر کار طاقت‌فرسا اندکی التیام یابد.



محمد جوانمرد دهقان ده قلمرو دغان - قومنا تاچار است از دو کودک خردسال خود نیز کمک بگیرد، تا زندگی خانواده را تامین کند

# جنبش مقاومت خلق فلسطین در لبنان

و همچنین بازسازی ارتش مصر و تجهیز آن به مدرن‌ترین سلاح‌ها، با کمک اتحاد شوروی، استوار بود. سوریه نیز از فردای شکست همین راه را دنبال کرد و جنبش مقاومت خلق فلسطین هم، به سهم خود، عنصر دیگری از ترکیب جبهه مقابله با شکست را تشکیل داد. از سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸)، فعالیت جنبش مقاومت خلق فلسطین در لبنان، تحت اشکال مختلف مسلحانه و توده‌ای هر چند ناهماهنگ، گسترش یافته است.

## ارزیابی دومین کنگره حزب کمونیست لبنان

در تیرماه ۱۳۴۷ (ژوئیه ۱۹۶۸) دومین کنگره حزب کمونیست لبنان، برگزار شد. این کنگره نه تنها برای حزب کمونیست لبنان، بلکه برای مجموعه جنبش‌های رهایی‌بخش عرب، در چهارچوب مباحثاتی که درباره راه‌های حل بحران ناشی از وقایع سال ۱۳۴۶، انجام گرفت، اهمیت داشت. کنگره دوم، مسئله فلسطین را در جایگاه با اهمیتی قرار داده بود. بنا بر اساس این کنگره، امپریالیسم آمریکا توانسته بود از جهت‌گیری‌های داخلی اسرائیل استفاده کند و از آن بعنوان وسیله‌ای در خدمت استراتژی تجاوزکارانه محلی خود بهره‌جوید. طبق نظر کنگره، موضع اتحاد شوروی بهنگام طرح مسئله تقسیم فلسطین در ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) تنها امکان موجود در شرایط جهانی آن-زمان بود.

بنابر ارزیابی کنگره حزب کمونیست لبنان، حل مسئله فلسطین جدا از مجموعه مبارزات ضد-

امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی نیست و جنبش مقاومت خلق فلسطین جایگاه خاص خود را در جبهه نیروهای انقلابی عرب دارد. مقاومت این خلق تحت همه اشکال مختلف آن، از جمله شکل مسلحانه، جزئی از جنبش انقلابی خلقی است که از حق داشتن سرزمین و کلیه حقوق نسبت به میهن خود محروم گشته است. این مقاومت جنبشی است که همه نیروهای ملی و مترقی، از جمله کمونیست‌ها، در صفوف آن حضور دارند. این کنگره تأکید می‌کند که:

"راه حل قطعی مسئله فلسطین بی‌بایست بر مواضع اصولی و برسمیت شناختن حق تفکیک ناپذیر اعراب فلسطین نسبت به سرزمین میهن خود و بنا بر این، بر شناسایی حقوق آنها دایر به بازگشت به سرزمین خود و داشتن حق حاکمیت برای این سرزمین استوار باشد."

در پائیز سال ۱۳۴۷ (دسامبر ۱۹۶۸)، سرکوبگران اسرائیلی به فرودگاه بیروت حمله کردند. رهبران لبنان، علیرغم این حمله، تصمیم گرفتند که از درگیر شدن در جنگ خودداری کنند، به همین علت در مناطق جنوبی و خط مقدم جبهه از ارتش لبنان خبری نبود. احزاب دست راستی لبنان نیز برای راندن فلسطینی‌ها به مرزهای سوریه فعالیت و از طرح بیطرفی لبنان همراه با تضمین آمریکا و زیر چتر سازمان ملل متحد پشتیبانی می‌کردند.

## لبنان - صحنه توسعه جنبش توده‌ای

در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) برخورد میان ارتش و فلسطینی‌ها افزایش یافت. در همین تاریخ لبنان صحنه توسعه جنبش توده‌ای و ترقیخواه ملی

بیش از ۳۲ سال است که خلق فلسطین از سرزمین مادری خود رانده شده است و قریب ۱۴ سال است که اسرائیل، با کمک امپریالیسم آمریکا، ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، ارتفاعات جولان و بخش‌هایی از صحرای سینا را به کمک نیروهای نظامی غصب کرده است. در تمام این دوران روزی نبوده که طی آن، از جانب اسرائیل و حامی آن آمریکا، نسبت به خلق عرب فلسطین جنبشی انجام نگرفته باشد. ماهیت تجاوزگر اسرائیل، در سال‌های اخیر با تجاوزات مکرر به جنوب لبنان، که بمنظور درهم کوبیدن جنبش مقاومت خلق فلسطین انجام می‌گیرد، نمود ویژه‌ای یافته است. از سوی دیگر نیروهای ارتجاعی لبنان نیز که از جانب محافل اسرائیلی پشتیبانی می‌شوند، رو در روی خلق قهرمان فلسطین ایستاده‌اند و در تلاشند که جنبش مقاومت فلسطین را درهم شکنند. اما جنبش مقاومت خلق فلسطین، علی‌رغم این توطئه‌های پلید امپریالیستی با تجربیاتی که طی مبارزات خود به دست آورده است، از قدرت و استحکام لازم برای ادامه مبارزه و پیشبرد اهداف به حق خویش برخوردار است. صفوف جنبش مقاومت خلق فلسطین، بخصوص پس از جنگ هفت روزه اسفند ۱۳۵۶ (مارس ۱۹۷۸) در جنوب لبنان فشرده‌تر شده است. نیروهای انقلابی فلسطین، طی این مدت، توانسته‌اند حمله بیش از ۳۰ هزار سرباز رژیم صهیونیستی اسرائیل را، که از حمایت همه‌جانبه واحدهای هوایی و دریایی برخوردار بودند، واپس بزنند.

## لبنان - یکی از مراکز مهم تجمع خلق فلسطین

طی سالهای دراز خانه بدوشی و دوری از میهن، لبنان همواره یکی از مهمترین مراکز تجمع خلق فلسطین بوده است. بدنبال حوادث خونین سالهای ۱۳۴۹-۵۰ (۷۱-۱۹۷۰) در اردن (رویدادهای سپتامبر سیاه)، سازمان‌های فلسطینی و "سازمان آزادیبخش فلسطین" مقر خود را به لبنان منتقل کرده و در نتیجه شمار بیشتری از فلسطینیان به این کشور هجوم آورده‌اند، بطوریکه در سال ۱۳۵۲ تعداد ایشان در لبنان، حدود ۳۰۰ ۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد، که از آن میان حدود ۲۰۰ ۰۰۰ نفر در هفت اردوگاه جنوب لبنان به شرح زیر پخش شده بودند.

۲ اردوگاه در "سعیدیه"، ۱ اردوگاه در "نبطیه" و ۴ اردوگاه دیگر در اطراف منطقه "تیر".

آمروزه فلسطینی‌های مقیم لبنان حدود ۱۰٪ کل فلسطینی‌ها را تشکیل می‌دهند. این رقم، بعد از کرانه غربی رود اردن، بالاترین میزان تراکم فلسطینی‌ها را در یک منطقه نشان می‌دهد.

برای آگاهی از مسایل کنونی حضور فلسطینی‌ها در لبنان، می‌بایست آن را در چهارچوب کلی وقایع خاور-میانه، بخصوص پس از شکست ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) اعراب، و اهداف و سیاست‌های امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه بررسی کرد.

بدنبال شکست ۱۳۴۶ (ژوئن ۱۹۶۷)، پرزیدنت جمال عبدالناصر تصمیم به مقابله مصمانه با اسرائیل گرفت و مبارزه را بر اساس طرح دوگانه سیاسی - نظامی و با هدف بازپس گرفتن سرزمین‌های اشغال شده ادامه داد. این سمت‌گیری بر پایه تحکیم دوستی اعراب و اتحاد شوروی

### تذکری به «انجمن اسلامی وزارت امور خارجه»

«انجمن اسلامی وزارت امور خارجه» طی اطلاعیه‌ای که در روزنامه «جمهوری اسلامی» مورخ ۱۰/۳/۶۰ در مورد سارقین اسناد وزارت امور خارجه و اعمال ضد انقلابی مسئولین سابق این وزارتخانه انتشار یافته، از استخدام افراد توده‌ای... ضدانقلاب و توجیه‌گر نظام گذشته توسط معاونت پارلمانی وقت سخن گفته است.

به «انجمن اسلامی وزارت امور خارجه» متذکر می‌شویم که اولاً قرار دادن افراد توده‌ای در کنار «ضدانقلاب و توجیه‌گر نظام گذشته» با توجه به چهل سال سابقه فعالیت حزب توده ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر استقلال، آزادی و ترقی ایران و

با توجه به مواضع روشن حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، افتراست. ثانیاً استخدام افراد توده‌ای... توسط معاونت پارلمانی وقت و جدا تکذیب میشود. وزارت امور خارجه خلاف واقع است و جدا تکذیب میشود.

ما امیدواریم که «انجمن اسلامی وزارت امور خارجه» دیگر به چنین اتهامات بی‌پایه‌ای علیه حزب توده ایران دست نزند و با بیان مطالب خلاف واقع در این زمینه، قصدهای صحیح نوشته‌های خود را خدشه‌دار نسازد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۶۰/۳/۱۰

### در جلسه علنی روزیکشنبه مجلس شورای اسلامی گفته شد:

# ملت، امر و زدر معرض تهاجم همه جانبه امپریالیسم آمریکاست

نخست‌وزیر سپس گفت: «بسیار دیگر (از بازاریان) هستند که سودهای سرشار برده‌اند و حتما باید فکری برای این مسئله کرد و فکر نمیکنم کسی در این مجلس موافق باشد که فردی یکباره ۱۵۷ هزار تن آهن وارد کند و یکباره ۱۵۰ میلیون تومان سود ببرد، بنابراین باید برای اینها فکری کرد».

آنگاه معاون وزارت اقتصاد و دارایی توضیحاتی در مورد لایحه بودجه داد و سپس کلیات این لایحه به‌رأی گیری گذاشته شد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید. پس از تنفس، نمایندگان به بحث در مورد جزئیات لایحه پرداختند و پیشنهادهای مختلف نمایندگان در مورد تک‌تک مواد آن به بحث گذاشته شد.

جلسه بعدی مجلس امروز (سه شنبه) تشکیل می‌شود.

#### \* چرا آن‌ها که فریاد

«وا آزادی» می‌کشند، یکبار هم نشده که یک قطره اشک برای استقلال مملکت بریزند.

#### \* سیستم مالیاتی کشور باید تغییر کند.

یکبار هم نشد يك قطره اشک برای استقلال این کشور بریزید؟ و فقط هر کجا که به کلمه استقلال رسیدید، به گفتن لفظ کلمه اکتفا کردید. اما به آزادی که رسیدید قلم زدید و زبان به تخطی کشیدید؟ من این قضاوت را به تاریخ می‌سپارم، تا در آینده بگویند و بدانند که يك عده‌ای با تیغ زبان و نیش قلم به قوه قضائیه این جمهوری حمله کردند، به قوه قانون‌گذاری این جمهوری حمله کردند، به دولت حمله کردند، شخصیت‌های بزرگ را با تمام سوابق درخشان مبارزاتشان زیر سؤال قرار دادند و هزاران کار دیگر کردند و باز فریاد برآوردند که آزادی نیست».

دومین ناطق قبل از دستور، حیدری، نماینده بوشهر، طی سخنانی از جمله به مشکلات آب آشامیدنی ۳۰۰ هزار روستائی این منطقه اشاره کرد و خواستار رسیدگی فوری به آن شد.

پس از آن حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تذکرات چندتن از نمایندگان را در خصوص مسائل و مشکلات مختلف مملکتی قرائت کرد. از جمله تذکر عمادالدین عبدالکریمی، نماینده بوشهر، در خصوص حفر چاههای عمیق در منطقه علمده و نوشهر در این جلسه قرائت شد.

آنگاه مجلس بحث در مورد لایحه چهار دوازدهم بودجه را آغاز کرد. ابتدا مقرر کمیسیون برنامه بودجه مجلس توضیحاتی ارائه داد. وی در قسمتی از سخنان خود تصریح کرد که: «ما قائل به اقتصاد برنامه‌ای هستیم تا اقتصاد بازاری».

سپس محمدعلی رجائی نخست‌وزیر درباره این لایحه سخنانی ایراد کرد. نخست‌وزیر در قسمتی از سخنان خود گفت: «دولت هم معتقد است سیستم مالیاتی باید تغییر کند».

در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، بحث در مورد بودجه چهار دوازدهم ادامه یافت و کلیات آن به تصویب رسید. در همین جلسه نخست‌وزیر طی سخنانی تاکید کرد که باید به وضع تجاری که سودهای هنگفت می‌برند، رسیدگی کرد.

اولین ناطق قبل از دستور جلسه، چراغزاده ذوقی، نماینده مردم رامهرمز، وی طی سخنانی از جمله گفت: «دژخیمان استعمار و استثمار و سردمداران امپریالیسم برای مقابله با قیام‌ها بساط مکر و فریب خود را پهن کرده‌اند و انواع برنامه‌ها را برای نابودی نیروهای مردمی بکار می‌گیرند. این برنامه‌ها گاه بصورت فشارهای اقتصادی، نظامی، ایجاد جو تشنج داخلی و زمانی هم در قالب برنامه‌های گسترده و شامل ترکیبی از همه اینها می‌شود و ملت ما در معرض تمامی این تهاجمات از جانب امپریالیسم آمریکا قرار گرفت».

وی افزود: «(دشمن) زمانیکه احساس کند یارای مقابله با سیل خروشان ملت را ندارد، دست به ایجاد کانالهای انحرافی می‌زند تا انقلاب را از مسیر خود با کمک عوامل داخلی به انحراف بکشاند و شیوه‌ای اتخاذ کند تا این انحراف را مترقی جلوه دهد».

وی در همین زمینه به توطئه «از اعتبار انداختن محتوای کلمات رهبر» اشاره کرد. ناطق در قسمتی دیگر از سخنانی گفت: «امام در پیام نوروزی امسال فرمودند، امسال سال قانون است و همگی شاهد بودیم که باز برای مقابله با این کلام تلاشها شد، تاجائیکه به قوه قانون‌گذاری این جمهوری با تمام نیرو حمله ور شدند، تا شاید به خیال خام خود آنرا از صحنه بیرون کنند، اما قاطعیت مجلس و موج همیشه خروشان این دریا، یعنی امام با سخنان اخیرشان، آنها را از میدان به کنار زد. و فاجعه آنجاست که برای بی‌اعتبار کردن سخنان امام بخود امام تکیه شود و این انتخاب ردیالانه‌ترین روش نفاق است».

ناطق آنگاه خطاب به کسانی که فریاد «وا آزادی» می‌کشند، گفت: «شما که در دفاع از آزادی قلم می‌زنید عقیل‌مینویسید و در سوگ آزادی خود را عزادار جلوه می‌دهید، چرا با توجه به تمامی حملات و تهدیداتی که انقلاب می‌شود،

### به سود زحمتکشان، برنامه مشخص...

که این جنگ ما تحمیل شده است و دشمن از حیث تسلیحات بر ما برتری دارد (حتی ۳ بر یک) ما تنها در اثر برتری روحی تاب مقاومت آورده‌ایم و امید صدام و اربابانش را به یاس مبدل ساخته‌ایم. همه اعتراف می‌کنیم که به‌سروز اختلافات در بین مسئولان کشوری روحیه مردم ما را در پشت جبهه تضعیف میکند و اثرات این تضعیف روحیه چنانکه می‌گویند هم‌اکنون بصورت کاهش کمک به جبهه ظاهر گردیده است. پس یافشاری روی اختلافات، آنهم بصورت مبهم، که هیچکس به‌اهمیت آنها پی‌نبرد، بسود کیست؟

امروز در برابر کشور ما و مردم ما مسائل بسیار مهمی از قبیل آمادگی برای مقابله با توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی، واگذاری زمین بدهقانان، ملی کردن تجارت خارجی، برای انداختن صنایع، تربیت کادر مومن به انقلاب برای اداره کشور و دهها مسئله بزرگ و کوچک دیگر از این قبیل وجود دارد که حل صحیح آنها با سرنوشت انقلاب مستقیماً ارتباط می‌یابد. اگر اختلافات بر سر این مسائل و حل صحیح آنهاست، برنامه‌های خودتان را ارائه دهید، تا مردم بتوانند آگاهانه قضاوت کنند و از هر کسی که بهترین راه‌حل را ارائه میدهد، پشتیبانی کنند. از کلی‌گویی و منفی‌بافی چه سودی جز گمراه کردن مردم و کور کردن ذهن آنها بدست می‌آید؟

ما از دهان کسانی که اینهمه از روحیه ارتش صحبت میکنند، یکبار نشنیدیم و در روزنامه‌هایشان نتواندیم که کلمه‌ای درباره لزوم اجرای هر چه سریعتر بند «ج» و «د» سخن بگویند. مگر روحیه ارتش در کشوری مانند ایران، قبل از هر چیز مربوط به روحیه کشاورزان نیست؟ ۷۰-۷۵ درصد سرپازان ارتش، نیروهای بسیج و پاسدارانی که در جبهه‌ها می‌جنگند (و با احتمال قوی جنگ تحمیلی صدام هم آخرین جنگ آنان نخواهد بود) از همین دهقانان محروم ایران برخاسته‌اند. روحیه ارتش در کشوری نظیر ایران بطور کلی از روحیه دهقانان سرچشمه می‌گیرد. هیچ انقلابی نیست که بدون واگذاری زمین بدهقانان نتوانسته باشد از خود دفاع کند. حل انقلابی مسئله زمین ستون فقرات هر انقلاب مردمی است.

### در حاشیه مجلس

#### اجتماع گروهی از اعضای صنف کوره دستی‌های ملایر در برابر مجلس شورای اسلامی

گروهی از اعضای اتحادیه صنف کوره‌دستی‌های ملایر از اولین ساعات صبح یکشنبه در برابر مجلس شورای اسلامی اجتماع کردند. این افراد در اجتماع خود به عدم تحویل سوخت کافی برای کار کوره‌های خود اعتراض کردند. آنها همچنین از مسئولین خواستند که هر چه زودتر نفت سفید و سیاه مورد لزوم کوره‌ها در اختیارشان قرار گیرد.

#### دفاع نزیه!

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در قسمتی از سخنان خود به عده زیادی از نمایندگان، که خواستار اعطاء حق دفاع در برابر سخنان دیگر نمایندگان به خود شده بودند، اشاره کرد و گفت: «مثلاً وقتی از وزارت نفت سابق صحبت می‌شود... می‌خواهند برای دفاع صحبت کنند... در این نوع حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای گفت: «خوب، آقای نزیه بیاید دفاع کند»

این دام را بدرستی تشخیص می‌دهند و اینقدر هوشیار هستند که پا در میان آن نگذارند! امیدواریم مسئولان مملکتی خطر را در تمام ابعاد آن درک کنند.

اگر ما این انقلاب را از خودمان و خودمان را از این انقلاب میدانیم باید شیوه انتقاد سازنده بدل کنیم. انتقاد سازنده قبل از هر چیز به معنای ارائه راه حل صحیح است که خود بخود با اثبات نادرستی راههای دیگر همراه خواهد بود. در این شیوه انتقاد طرفین مکمل یکدیگرند، نه نافی هم، در يك جبهه‌اند، نه در دو جبهه مقابل. در کشوری که خود را از گنداب شاهنشاهی بیرون کشیده و از همان نخستین لحظه انقلاب به هزاران توطئه و دسیسه روبرو بوده است، هزاران نقطه ضعف و اشتباه میتوان یافت، که اگر بخواهیم هر يك از آنان را زیر ذره‌بین بگذاریم، تا مرز چنایت و خیانت بزرگ خواهد شد. آنکس که دلسوز انقلاب است،

آیا جن اینست که لیبرالها، این سخنگویان سرمایه، با تمام نیرو به اختلافات مصنوعی دامن می‌زنند و با طرح انواع اقسام مسائل فرعی و کوچک لای چرخ دولت چوب می‌گذارند؟ بررسی حوادث ما را به این نتیجه میرساند که دامن زدن به اختلافات تاکتیکی سرمایه‌داری لیبرال در این مرحله است تا اولاً فکدارد دولت در مسائل مهم تصمیم قاطع بگیرد، ثانیاً با آشفته کردن جو داخلی، زمینه اجتماعی را برای بازگشت به قدرت فراهم سازد. تاکتیکی سرمایه‌داری لیبرال در این مورد صد درصد با سیاست امپریالیسم که هدف آن روی کار آوردن يك حکومت معتدل و میانه‌رو در ایران است، منطبق است. تنها مسئله‌ای که باقی میماند آنست که مسئولان که خودشان را در برابر انقلاب و میهن متعهد میدانند، در برابر این تاکتیکی سرمایه‌داری لیبرال و امپریالیسم چه موضعی اتخاذ میکنند. آیا

انقلاب از ناحیه تجاوز امپریالیستی (در لحظه کنونی از عراق و سپس معلوم نیست از کجا) بخطر افتاده است. موضع شما در این مسئله بنیادی چیست؟ گرانی روزافزون، کاهش درآمد واقعی کارگران و زحمتکشان در روحیه سربازانی که در جبهه‌ها می‌جنگند، مستقیماً تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌داران بزرگ مسئول اصلی این گرانی هستند. برنامه شما برای رفع این گرانی چیست؟ برای تامین و تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی که اینهمه از آن دم می‌زنید چه برنامه مشخصی دارید؟ در آنچه بعنوان موارد اختلاف مطرح میشود، ما يك مسئله اصولی از این قبیل نمی‌بینیم. گوئی تمام این اختلافات مصنوعی تنها به این نیت میان کشیده میشود که مردم را از مسائل اصلی منصرف کنند و به‌زیننداران بزرگ و کلان-سرمایه‌داران امکان بدهند که در بازار آشفته بپذیری و غارت خود ادامه دهند و در آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

نقاط ضعف را می‌بینند و تذکر میدهند، اما ذره‌بین را روی آنها نمی‌گذارند. آنکس که دلسوز انقلاب است، در ایجاد محیط تقاهم میکوشد، و میکوشد که با ارائه برنامه مشخص بسود انقلاب و مردم انقلابی، اختلافات و مشکلات را حل کند.

ما باز هم هشدار می‌دهیم که اختلاف و تشدید اختلاف بین نیروهای انقلابی و بین مسئولان مملکتی بزبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. می‌باید اختلافات را در محیط تقاهم و با ارائه برنامه مشخص بسود انقلاب و زحمتکشان که انقلاب کرده‌اند، حل کرد.

حزب توده ایران هم، در حد توان خود، برای ایجاد آرامش و محیط تقاهم و اتحاد همه نیرو-های انقلابی، صرفنظر از عقاید سیاسی و مسلکی، میکوشد، و هم برنامه مشخصی برای بازسازی و نوسازی جامعه ما ارائه داده است و برای تحقق این برنامه تلاش می‌کند.



تظاهرات مردم بریتانیا علیه سیاست اقتصادی تاجر و بیکاری گسترده

در روز ۱۰ خرداد ۶۰، بیش از ۱۰۰ هزار بریتانیایی در تظاهرات علیه سیاست اقتصادی دولت محافظه‌کار این کشور شرکت کردند. پیش از این تظاهرات، که در میدان ترافالگار برگزار شد، پایتخت بریتانیا شاهد پایان «راهپیمایی علیه بیکاری» بود، که روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) در لیورپول آغاز گردید. شماره بیکاران بریتانیا، بموجب آمارهای رسمی، از مرز ۲۵ میلیون گذشته و همواره رو به افزایش است.

مناخیم بگین: اسرائیل به حملات خود به لبنان ادامه خواهد داد

اسرائیل بار دیگر به تهدید لبنان پرداخته است. مناخیم بگین در تل‌آویو گفت که ارتش اسرائیل به حملات خود به این کشور عربی ادامه خواهد داد. اسرائیل تقریباً هر روز خاک لبنان را زیر آتش می‌گیرد و به جدایی‌خواهان لبنان کمک نظامی و مالی می‌دهد. روزهای ۱۱-۱۰ خرداد ۶۰، راستگرایان افراطی لبنان با «نیروهای پاسدار صلح عرب» در بیروت و دیگر شهرهای لبنان درگیر شدند. تنها در بیروت ۲۰ تن بهلاکت رسیدند و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح گردیدند.

### نخست‌وزیر چین در سفر خود به پاکستان از يك «اردوگاه افغانی» سرکشی میکند

نخست‌وزیر چین روز ۱۱ خرداد ۶۰ دیدار خود را از پاکستان آغاز کرد. وی، فزون‌بر گنگکو با ضیاعالحق و دیدار از يك پایگاه هوایی، از يك باصطلاح «اردوگاه افغانی» نیز سرکشی بعمل خواهد آورد. در چنین «اردوگاه»هایی تروریست‌های افغانی، پیش از کسب به افغانستان برای اقدامات خرابکارانه و کشتار، آموزش می‌یابند. از سوی دیگر، در اسلام‌آباد اعلام شد که جیمز بتلی، معاون وزارت خارجه آمریکا، روز ۲۲ خرداد ۶۰، برای گفتگوهای بیشتر پیرامون واگذاری جنگ‌افزار به پاکستان، وارد آن کشور خواهد گردید. پاکستان بیشتر سلاح‌های خود را از آمریکا و چین دریافت می‌دارد. این سلاح‌ها برای افزایش تشنج در منطقه بکار برده می‌شود.

### پایان کنگره حزب کمونیست آلمان در هانور

کنگره حزب کمونیست آلمان از همه‌شهرزندان آلمان غربی خواسته است تا به موشک‌های «ناٲو» و «آه» بگویند و در راه صلح مبارزه کنند. بگفته این فراخوان: «مهم‌ترین وظیفه ما امروز عبارتست از یکسار علیه استقرار موشک‌های جدید هسته‌ای میان‌برد آمریکائی در آلمان غربی». کنگره هانور کمونیست‌های جمهوری فدرال آلمان درباره هدف‌ها و وظایف حزب برای تضمین حقوق اجتماعی و دموکراتیک طبقه کارگر و جوانان و علیه «منع اشتغال» (دبروفزفروت) به بحث پرداخت. کنگره حزب کمونیست آلمان خواسته است که به فعالیت‌های سازمان‌های ثنوفاشیستی پایان داده شود. هربرت میز بار دیگر به سمت صدر حزب کمونیست آلمان انتخاب گردید.

### کارزار انتخابات پارلمانی در فرانسه آغاز شد

روز دوشنبه ۱۱ خرداد ۶۰، کارزار انتخابات پارلمانی در فرانسه آغاز شد. دور نخست انتخابات در روز ۲۴ خرداد ۶۰ برگزار خواهد گشت. کاندیداهایی در این دور انتخاب خواهند شد، که اکثریت مطلق آراء را بدست آورند. دیگران باید در دور دوم شرکت کنند؛ در این دور اکثریت نسبی بر گزاری انتخابات پارلمانی فرانسه، هنگامی ضرورت یافت، که میتران، رئیس‌جمهور جدید فرانسه، پارلمان آن کشور را منحل کرد.

### نیروهای دولتی بنگلادش در چیتاگونگ مستقر شدند

بگفته دولت بنگلادش، رژیم این کشور کنترل کامل خود را بر شهر چیتاگونگ بازیافته است. روزشنبه ۹ خرداد ۶۰، ضیاعالحق، رئیس‌جمهور بنگلادش در این شهر کشته شد. یکی از سخنگویان دولت بنگلادش گفت که «ارتش بدون شلیک حتی يك تیر چیتاگونگ را بازگرفته. بگفته او، گروهی از شورشکران، که مسئول قتل ضیاعالحق بوده‌اند، از شهر گریخته‌اند و نیروهای دولتی در جستجوی آنها هستند. روز شنبه گذشته، گروهی بدستور ژنرال منصور احمد، به اقامتگاه ضیاعالحق در چیتاگونگ حمله بردند و، علاوه بر او، محافظ ویکی از همکاران او را کشتند.

### تروریست‌های راستگرا يك ایستگاه تلویزیونی را در نزدیکی بارسلنا منفجر ساختند

در روز ۱۰ خرداد ۶۰، گروهی ناشناس يك ایستگاه تقویت تلویزیونی را نزدیک بارسلنا منفجر کردند. این انفجار پس از رژه‌ای، بمناسبت «روز نیروهای مسلح» در اسپانیا صورت گرفت، که خوان کارلوس، پادشاه اسپانیا، از آن سان‌دیده بود. نزدیک به دو هفته پیش، افراطیون به بانک مرکزی بارسلنا حمله بردند و بیش از ۲۰۰ تن را به گروگان گرفتند. آنها خواستار آزادی چهار سرکرده کودتای نافرجام اواسط زمستان اسپانیا بودند، که از سوی ارتشیان راستگرا بدان اقدام شد. پس از حمله پلیس به ساختمان بانک، برخی از تروریست‌ها بازداشت گردیدند و تنی چند نیز گریختند.

### اعلامیه سازمان حزب توده ایران در داراب فارس:

## ضد انقلاب کشتار دهقانان مبارز را آغاز کرده است

در شهرستان داراب، دامنه تشنج و درگیری و کشتار دهقانان نمایندگان از جان گذشته آنها، بالا گرفته است. اخبار متعدد حاکی از زدوخورد بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین از يك طرف و مالکین و فئودالها و خانها و عوامل مستقیم و غیر مستقیم آنها، از طرف دیگر است. در يك ماه گذشته سه تن از شریفترین و سرسخت‌ترین دهقانان زحمتکش به نامهای بهروز نوبخت، اسد کشاورز و سیاه (شاهرخ بستان)، که روستائیان رنج‌دیده و ستم‌کشیده روستاهای دوان، کوهگرد و دوپرجی داراب، آنها را بعنوان نمایندگان واقعی خود انتخاب کرده بودند، بوسیله خانها، فئودالها و عوامل آنها به خاک و خون غلتیدند و شهید شدند. بدینسان، ضدانقلاب منطقه، طبق نقشه شومی که دامنه گسترده‌ای دارد، کشتار مبارزترین زحمت‌کنان و نیروهای مدافع آنها را آغاز کرده است. در تاریخ ۲۲ ر ۶۰ در روستای «میراب» (ده کیلومتری داراب) در يك درگیری، پاسداری بنام موسوی، به قتل رسید. در مراسم تشییع جنازه این پاسدار شهید، که در روستای خسروی برگزار گردید، گروه کثیری از اهالی به طرفداری از سیاه پاسداران و علیه ضدانقلاب و فئودالها دست به تظاهرات زدند. فرمانده سیاه پاسداران داراب، احمدعلی قسی، در يك سخنرانی در این مراسم گفت: «ضدانقلاب و فئودالهای منطقه دست‌اندرکار اجرای نقشه شیطانی وسیعی می‌باشند. او از جمله فاش ساخت که در نتیجه تحقیقات روشن شده است که ضدانقلاب قصد دارد که مقامات مسئول منطقه، از جمله فرماندار و فرمانده سیاه پاسداران داراب را ترور کند. حزب توده ایران - سازمان داراب، بر بنیاد این سخنان و طبق اطلاعات موثق هشدار میدهد که

در منطقه، فئودالها بار دیگر وسیعاً به تکاپو افتاده‌اند. آنها با سوء استفاده از به تمویق افتادن اجرای بند «ج» و «ه»، طبق نقشه حساب‌شده‌ای می‌کوشند، تا با ایجاد آشوب و درگیری بین زحمتکشان روستاها و نهادهای انقلابی، جو را برای بهره‌برداری آماده کنند. ضدانقلاب برای نیل به اهداف شوم خود کوشش فراوانی بعمل می‌آورد تا عوامل خود را در نهادهای انقلابی نظیر پاسداران نفوذ دهد و با بهره‌برداری از نارسائیه‌ها، نارضائیه را دامن‌زند.

حزب توده ایران - سازمان داراب، ضمن پشتیبانی قاطع از کلیه نهادهای انقلابی، بویژه سپاه پاسداران و هیئت هفت‌نفری منطقه داراب، که کوشش موثری در سرکوب ضدانقلاب و خنثی کردن توطئه‌های فئودالها و پشتیبانی از خواستهای روستائیان زحمتکش را دارند، به آنها توصیه می‌کند که بیش از این اجازه ندهند که کسانی که در دوره رژیم سرنگون‌شده در آموزش و پرورش مأمور حفاظت بوده‌اند و بساط لهو و لیب طاقوتیان را فراهم می‌آورده‌اند، در دوره حکومت انقلابی هم زالوصفت، خون مستضعفین را بمکند و برگردد آنها سوار شوند و با نزدیک کردن خود به مقامات مسئول، نقش ستون پنجم دشمن را بازی کنند. باید به خاطر داشت که دشمن ضربت‌خورده خطرناک است و هزار رنگ عوض می‌کند. نهادهای انقلابی باید با این دشمنان قسم‌خورده تنها برخورد انقلابی داشته باشند.

ما بار دیگر توجه کلیه مقامات مسئول شهرستان داراب را به خطر بسیار جدی که اکنون منطقه ما با آن روبروست، جلب می‌کنیم و آمادگی خود را کماکان در کلیه زمینه‌ها برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به منظور درهم‌شکستن توطئه دشمنان مستضعفین، اعلام می‌داریم.

### اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان:

## ضد انقلابیون افغانی در کوههای خراسان مسلح شده‌اند

به دنبال گسترش فعالیت‌های مخرب باندهای ضدانقلابیون افغانی در ایران، بویژه در خراسان، سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان اطلاعیه‌ای منتشر کرد که متن آن چنین است: هموطنان مبارز خراسانی! در شرایط دشوار و حساس کنونی که میهن انقلابی ما با جنگ تحمیلی آمریکا - صدام روبروست و نزدیک به ۲ میلیون نفر هموطن آواره داریم، بسیار مشکلات فراوان ناشی از وجود ۲ تا ۳ میلیون افغانی مهاجر نیز بر دوش اقتصاد جنگ‌زده ما سنگینی می‌کند. از طرف دیگر، وجود این همه مهاجر افغانی در ایران، زمینه فعالیت گسترده‌ای برای ضدانقلاب فراهم ساخته است، که به شدت و با ابعاد روزافزون در میان آنها کار می‌کند. کارفرمایان و سرمایه‌داران، نیز از وجود مهاجران افغانی برای دادن مزد کمتر و گرفتن کار بیشتر سوء استفاده می‌کنند. اما مهم‌ترین مسائل نگران‌کننده، که مقامات مسئول استان باید آنها را مورد توجه جدی قرار دهند، موارد زیر است: ۱) مدت‌هاست ضدانقلابیون افغانی اقدام به خرید صدها دست

شهادت نزدیک به ۳۲ نفر از نیرو-های مسلح ایران و نیز ترور مولوی حسین‌پور، نشاندهنده آن است که آمریکا، پاکستان و ضد انقلابیون افغانی می‌خواهند گردستان دوم در ایران ایجاد کنند. خوشبختانه در ماه‌های اخیر، برخورد‌های واقع‌بینانه و مثبتی با مسئله صدها هزار افغانی‌مقیم خراسان از طرف مقامات مسئول استان دیده می‌شود. باید به این نظرات مثبت توجه جدی کرد و با کنترل و نظارت جمعی مردم، ارگانهای انقلابی و شوراهای شهر، اقدامات موثر و قاطعی در جهت سرکوب باندهای ضدانقلابی افغانی، جلوگیری از افتادن زحمتکشان افغانی بدام ضدانقلاب و تامین آرامش و امنیت شغلی و اجتماعی مردم استان انجام داد. کنترل مرزها، تعیین اوراق شناسایی برای افغانیهای مهاجر، فراهم ساختن زمینه بازگشت افغانیها به میهنشان از راه مذاکره و توافق با دولت افغانستان، از جمله اقدامات مبرمی است که باید انجام داد، تا از بروز مشکلات وسیعتر در استان خراسان جلوگیری شود.

## نام‌مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان NAMEH MARDOM No. 526 2 June 1981

Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر «نامه مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۶۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۴ پستی تهران

# با تشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم